



لیست امنا برای مرحله دوم

مسعود زربیافان، سخنگوی ائتلاف مردمی نیروهای انقلاب اسلامی با اشاره به دومر حله‌ای شدن انتخابات مجلس دوازدهم گفت: «مردم شریف ایران اسلامی انتخابات ۱۱ اسفند همانند یوم‌الله ۲۲ بهمن به میدان جهاد سیاسی و به پای صندوق‌های رای آمدند و با حضور در پای صندوق‌های رای، مشت محکمی بر دهان استکبار جهانی و یاوه‌گوینان داخلی آنان زدند.» وی ادامه داد: «ائتلاف مردمی نیروهای انقلاب اسلامی (امنا) متشکل از ۶ ضلع از نیروهای انقلابی، ولایتی و خدمتگذار، با توکل به خداوند متعال و بر مبنای اصول ارزشی و انقلابی از جمله حذف پدرخواندگی و سهمیه‌بندی‌های سیاسی و برپایه شایسته‌سالاری اقدام به شناسایی و معرفی افراد شایسته نمود و بر مبنای خرد جمعی و پرهیز از قائم به شخص شدن ائتلاف و با سرلیست قرار دادن مردم، طی ۶ مرحله به فهرست نهایی رسید که با لطف خداوند متعال مورد توجه مردم شریف ایران قرار گرفت.» زربیافان افزود: «ائتلاف اماندار پاسخ به اعتماد مردم عزیز متعهد می‌شود که نامزدهای دور دوم انتخابات را همچنان بر مبنای خرد جمعی و شایسته‌سالاری معرفی کند تا بتواند در مجلس دوازدهم تلاش خود را برای ایجاد تحول و حل مشکلات مزمن به‌ویژه مشکلات معیشتی و اقتصادی متمرکز کند.»

درباره اَبَر پدیده‌ای که در انتخابات ۱۱ اسفند بیش از پیش رخ نمود

افسول سیاست
در جسامعه ایرانی

مروری بر سیر تغییرات رهبری سیاسی در جناح راست



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاسی

در عرصه سیاست و در جوامع مختلف، همواره افرادی هستند که رهبری سیاسی یک جریان سیاسی را برعهده دارند؛ افرادی که اسامی مختلفی را مانند لیدر و یا رهبر جریان سیاسی برای آنها به کار می‌برند. در واقع چنین افرادی به حکم تجربه و جایگاهی که به‌دست آورده‌اند، نوعی ریش‌سفیدی در را در گروه خود داشته، مورد احترام سایر اعضا آن جریان سیاسی هستند و پیش‌رو در حرکات آن گروه محسوب می‌شوند. سعی در این است که اگر نقدی هم به رهبری گروه وجود دارد، درون خانواده مطرح شده و به بیرون منتقل نشود؛ به ندرت دیده شده که آنها به صورت علنی و در پیش دیده همگان از سوی افرادی از خانواده سیاسی خود مورد بی‌احترامی قرار گرفته و یا حتی نقد جدی به آن‌ها صورت گیرد. در ایران نیز این قاعده سیاسی وجود یک لیدر در رأس جریان‌های سیاسی پس از انقلاب وجود داشته است. به‌ویژه از نیمه دوم دهه ۶۰ که دو جناح چپ و راست به صورت رسمی تشکیل شدند، در رأس هر دو گروه چهره‌هایی وجود داشته‌اند که نقش رهبری وریش‌سفیدی را ایفا کردند و سعی

در پیش بردن اوضاع در جریان سیاسی خود داشته‌اند.

اما در بین دو گروه چپ و راست که از پس از دوم خرداد ۷۶ با عنوان اصلاح‌طلب و اصول‌گرا خوانده شده‌اند، اوضاع در جناح راست سال به سال در بُعد رهبری پیچیده‌تر شده و اتفاقات عجیبی پیرامون رأس هر دو گروه رخ می‌دهد. چیزی که با همه فرازنوشتب موجود در جریان اصلاح‌طلب و بحث‌هایی که برخی از جوانان این جریان هم به دنبالش رفتند اما فعلاً به نقطه بحرانی نرسیده است و جایگاه رهبری و لیدری برای افرادی مانند سیدمحمد خاتمی و حتی میر حسین موسوی و مهدی کروبی در درون جریان باقی مانده است؛ اتفاقاتی که در دو هفته اخیر در میان اصولگرایان اوج گرفته و حالا کار به جایی رسیده که برخی چهره‌های جویای نام و جوان اصول‌گرا که از طریق همین جریان به نام و نشان رسیده‌اند، کاربرد دوواژه (پاجوش و چنار که در سخنان غلامعلی حدادعادل مطرح شد) را بهانه قرار داده و بی‌پروا ریش‌سفیدی‌های جریان اصول‌گرا را مورد حمله قرار می‌دهند؛ موضوعی که همین چند روز پیش با اخطار مهمی از سوی یکی از استادان اصول‌گرای علوم سیاسی دانشگاه روبه‌رو شد و از «ابتدال امر سیاسی» سخن به میان آورد. پرویز امینی ۲۷ بهمن در بخشی از مناظره خود با حسین مرعشی، بدون اینکه نامی از فردی بیاورد، از ابتدال در امر سیاست سخن می‌گوید: «نهاد انتخابات به چنان ابتدالی

کشیده شده که «استاد فلانی» که زمانی سخترانی می‌کرد و اعداد فراماسوئوری از تصاویر نشان می‌داد، حالا لیدر سیاسی شده و عمل سیاسی تنظیم می‌کند. این یعنی امر سیاسی دچار ابتدال شده است.»

برای بررسی این موضوع و روندی که جریان راست در برابر چهره‌های ریش‌سفید و لیدر خود طی کرده تا به سال ۱۴۰۲ رسیده، باید هم به سراغ علم سیاست رفت و پرسید که اصولاً اخلاق در سیاست چه جایگاهی دارد؟ آیا سیاست باید اخلاقی باشد یا خیر؟ و در نهایت آنچه را به‌عنوان ابتدال امر سیاسی تعریف می‌کنیم به چه معنی و در چه جایگاهی است و فضای سیاسی کشور ما چه نسبتی با این پدیده پیدا کرده است؟

▼ جناح راست و رهبران

اما همانطور که در ابتدای بحث اشاره شد، روند در جناح راست به‌گونه‌ای است که می‌توان افول امر سیاسی و به‌عبارت دیگر افول اخلاق در سیاست را مشاهده کرد. درست چند روز پس از اینکه پرویز امینی، سیاستمدار اصول‌گرا از ابتدال در امر سیاست سخن گفت، غلامعلی حدادعادل که به هر صورت نقش ریش‌سفیدی را در سال‌های اخیر بین اصول‌گرایان ایفا کرده، در نشست خبری خود جمله‌ای را درباره تعدد لیست‌های اصول‌گرا به کار برد که آغاز برخی واکنش‌ها و حمله‌های درون‌خانوادگی شد. او گفته بود: «همیشه در کنار چنار بلند چند پاجوش هم متعدد زده می‌شود؛ امری طبیعی است.» اما پس از این جمله (فارغ از اینکه بیان آن درست یا غلط باشد) حمله‌هایی به حدادعادل می‌شود و در این میان برخی چهره‌های جوان اصول‌گرا دست به کنایه‌زنی علنی به او می‌کنند. برای مثال امیرحسین ثابتی، یکی از جوانان اصول‌گرا که به مجلس دوازدهم هم راه یافته است، از بر خورد خود با حدادعادل هنگام رای‌گیری اینگونه روایت کرده است: «در مسجد لوزاده وقتی داشتم اسامی نامزدها را می‌نوشتم آقای حدادعادل از کنارم عبور کرد، یکدفعه چند نفر با گلابه گفتند این دوره دیگر پاجوش‌ها رای می‌آورند. ایشان ایستاد و گفت این حرف‌ها جوسازی است و منظوم چیز دیگری بوده. یکدفعه بلند شدم و گفتم سلام دکتر! پاجوش اصلی هستم.»

اما با نگاهی به تاریخ می‌توان دید که موضوع حمله درون‌خانوادگی به چهره‌های اصول‌گرا تنها مربوط به مقطع فعلی نیست و جناح راست از دهه ۸۰ دچار این موضوع شده که به نوبت چهره‌های شاخص و ریش‌سفید خود را مورد حمله و هجمه قرار داده و آرام‌آرام زمینه جدا شدن این چهره‌ها را از خود فراهم می‌کند.

